

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1390/02/20



سامانه تقریر

ادامه بحث از احکام میته و غیرمذکی
درباره احکام میته و غیر مذکی بحث می کردیم گفته شد که سید الاستاد (ره) فرمودند که حرمت اکل و عدم جواز صلاه مترتب بر غیر مذکی است و اما نجاست و عدم انتفاع مترتب بر میته است جلدی که مطروح باشد شک کنیم در طهارت و نجاستش نمی توانیم به اصاله عدم تذکیه مراجعه کنیم چون موضوع این حکم عدم تذکیه نیست میته نیست این جلد سابقه میته هم ندارد تا استصحاب کنیم و بعد می فرماید که در این نظر صاحب حدائق با ما موافق است

نظر صاحب حدائق درباره اصل عدم تذکیه
مرحوم محدث بحرانی صاحب حدائق در کتاب حدائق جلد پنج صفحه 526 می فرماید جلد و لحمی که شک در طهارت و نجاستش بکنیم مرجع ما اصاله الطهاره و اصاله الحلیه است نتیجه اگر در نجاست جلدی شک بکنیم حکم به طهارت اعلام می کنیم و دلیل بر طهارت هم قاعده طهارت است این فرمایش صاحب حدائق که در حکم در نهایت امر با سید الاستاد موافقند فرمایش ایشان را کامل کنیم فقط موید مانده بود که امروز کامل شد

بحث اصاله عدم تذکیه در اصول
و این بحث عدم تذکیه در اصول هم یک فصل مختص به خودش دارد بحث مبسوطی هم در اصول هم در این رابطه آمده است بد نیست یک نگاهی گذرا در بحث اصولی هم داشته باشیم عنوان بفرمایید بحث اصاله عدم تذکیه در اصول به طور عمده در مورد جریان اصاله عدم تذکیه و عدم جریان آن نسبت به جلد مشکوک سه تا نظر برجسته ای را می توانیم انتخاب کنیم

نظر صاحب وافیه در اصول
نظر مرحوم فاضل تونی ایشان در کتاب الوافیه جلد 2 صفحه 210 می فرمایند طهارت و

نجاست و حرمت اكل و همين طور احكام ديگر مترتب به ميته است در قران هم مي بينيم حرمت عليكم الميته و ميته هم عنوان وجودي است قابل استصحاب نيست اولاً. همين جلد مشخصي كه شك داريم مثلاً بند ساعت چرمي شك داريم كه مذكي است يا ميته ايشان مي فرمايد موضوع حكم هم ميته است ميته هم امر وجودي است سابقه ندارد همين بند ساعت يا غلاف شمشير كه مورد بحث هست اين مورد حالت سابقه اش ميته نبوده است براي ما مشخصاً نمي دانستيم كه ميته است تا استصحاب كنيم حالت سابقه ندارد اما اگر عدم تذكیه را استصحاب كنيم تذكیه شده است يا نشده اصل عدم تذكیه

است به توسط اتصاله عدم تذكیه ميته ثابت مي شود و حكمش بار مي شود و اين از ابرز مصاديق اصل مثبت است

نظر مرحوم اقاوي خويي در اصول

سيد الاستاد در كتاب مصباح الاصول جلد 2 چاپ قديم بحث استصحاب چاپ جديد جزء موضوعه جلد 48 صفحه 140 مي فرمايد و ما افاده الفاضل التوني متين جدا ما به اين نتيجه رسيديم كه فرمايش سيد الاستاد درست همان فرمايش فاضل توني است ميته هم امر وجودي است و موضوع حكم براي نجاست است شك بكنيم نمي توانيم به اصل مراجعه كنيم قاعده طهارت تمسك كنيم حكم به طهارت اعلام مي كنيم كه صاحب حقائق هم اين حكم را اعلام کرده اين قول اول در بستر اصولي

نظر شيخ انصاري در اصل عدم تذكیه

2. نظر شيخ انصاري (ره) ايشان درباره اين فرع بر كلام فاضل توني اشكال و ردي دارند مي فرمايند مشهور اين است كتاب رسائل جلد 2 صفحه 642 مي فرمايد كه فرمايش فاضل توني مورد تايد نيست براي اينكه راي مشهور بر اين است كه موضوع حرمت اكل و نجاست غير مذكي است نه ميته و بعد هم مي فرمايد كه اين موضوع بودن را و اين جعل موضوع از سوي شرع ما از كتاب و سنت استفاده كنيم كتاب ايه حرمت عليكم الميته و الدم تا آخر كه الا ما ذكيتم سنت هم همان دو دليلي كه سيد الاستاد فرمود بحث اصولي با هم زنجيره اي وصل است يكي با ديگري پيوند دارد با نقد ها و بررسي ها نكته اي كه اينجا اضافه مي شود اين است كه ما موضوع بودن يا جعل موضوع از سوي شرع كه استفاده مي كنيم لازم نيست كه تمامي موارد را تعيين كنيم چند مورد كه تعيين كرد براي اين حكم به دست مي آيد كه موضوع عدم تذكیه استديديم كه در كتاب و سنت موضوع عدم تذكیه اعلام شد ديگر از باب به قول مرحوم شهيد صدر اصل مبدء انسجام يا به قول اصوليها از باب سنخيت كه يك سنخ حكم است يك مجموعه از حكم است يك موضوع است چند مورد كه شرع اشاره كرد به دست مي آوريم كه موضوعش اين است و بعد از اين مي فرمايد كه اشاره دارد به جايي كه كساني فهميده اند كه ميته موضوع نجاست است مي فرمايد اگر روايات دال بر نجاست ميته نجاست را بر ميته ثابت مي كنند كه توهّم بكنيد كه موضوع نجاست ميته است چون براي ميته حكم نجاست ثابت شده است اين روايات و اين قسمت از بيان منافات ندارد با اصل بحث چون كه ميته در شرع منطبق است به غير مذكي منظور از اين ميته همان غير مذكي است اين راي صاحب رسائل شيخ انصاري كه نظر دوم بود بنابر اين جلدي را كه شك بكنيد اتصاله عدم تذكیه حكم به نجاست را صادر مي كند

سوال و جواب مذاق شرع هم كمك بگيريد استحسانات مثبت اشكال ندارد كمك مي تواند

باشد

نظر مرحوم ميرزاي نائني در اصل عدم تذکيه

3. نظر مرحوم ميرزاي نائني درباره اصاله عدم تذکيه ايشان در همين بحث استصحاب کلي اين فرع را مطرح مي کند که جلد مطروح در حالت شک و شبهه چه حکمي مي تواند داشته باشد اصاله عدم تذکيه جاري مي شود يا نمي شود تعرض مي کنند نظر فاضل توني را مي فرمايند که ايشان گفته است که اين مورد مورد جريان اصاله عدم تذکيه نيست چون موضوع ميته است و بعد هم اصاله عدم تذکيه هم مثبت مي شود بعد از طرح نظر ايشان مي فرمايد که اين نظر فاضل توني خالي از اشکال نيست اشکال اين است که اجود التقريرات جلد 2 صفحه 397 تا 399 مي فرمايد که عنوان ميته وجودي نيست اساسا از کجا مي گوييد وجودي است

استناد به قول لغوي در تضمن صحت موت

سيد الاستاد (ره) در کتاب مصباح الاصول همان منبع و همان ادرس و در تنقيح جلد 2 صفحه 451 و ما قبل و ما بعد مي فرمايد که فاضل توني در مصباح المنير گفته است که ميته ما مات بسبب غير شرعي و در مصباح الاصول اين مطلب را تکرار مي کند ببينيم اول معنای لغت چقدر معنای وجودي است و بعد اعتبارش تا کجاست معنایش مي گويد مثبت است چون ميته را مي گويد ما مات به عبارت ديگر که در مصباح الاصول آورده زهوق روح است جدایی روح از بدن مثبت است و منفي نيست و در اين فقه هم مي گويد ما مات خود موت هم مي گوييم وجودي است **خلق الموت و الحياه ليلوكم ايکم احسن عملا** ظاهرش اين است که موت هم وجودي است دليل بر مثبت بودن که در موت آمده که در قران آمده خلقت که اين ظاهرش اين است که مثبت است خلق کرد حالا. ان ظل و حرورتوجيه دارد که اگر رسيديم که بحث مي کنيم که ان وجودي نيست فعلا. استناد به قول فاضل توني اين ترجمه را که گفتيم از ايشان اولاً. فاضل توني نظر به ايجابي و سلبي ندارد کلمه توضيح مي دهد و بعد مي گويد ما مات مرده مي گويد به سبب غير شرعي مي شود ميته خود ميته را با یک اضافه مي آورد ميته خودش که موت است موت به سبب غير شرعي را مي گويد در اصطلاح است چيزي اضافه نکرده همان ميته را در اصطلاح گفته است ميته اي که به سبب غير شرعي موت برایش عارض بشود اصلاً معنا اضافه نکرده خود ميته را یک قيدي اضافه کرده چيزي از لغت از معنا یک مفهوم ايجابي ديده نمي شود اين نکته خيلي دقيق

نظر مرحوم خويي در عدم حجيت قول لغوي

نکته دوم که اصل است سيد الاستاد روايتي که سندش ضعيف باشد مي فرمايد معتبر نيست اعتبار قائل نيست اقاي فاضل توني اين را از کجا گفته سندش چيست نظر خودش حجت است که ايشان مي فرمايد از اربابان اصول است عنوان مي کند عدم حجيت قول لغوي اين عنوان در اصول است از مسلمات است پس اين دليل به جايي نرسيد لذا مرحوم ميرزاي نائني که مي فرمايد ميته عنوان وجودي نيست بلکه معنایش غير مذکي است دو چيز نيست یک لفظ است و یک معنا لفظ ميته است معنایش غير مذکي است

همراهي نجاست و عدم اکل در ماکولات

لذا مي گويد که اگر شما قطع حاصل کنيد به چيزي از اجزاء حيوان يا خود حيوان که غير مذکي است قطعاً ان را مي گوييد ميته صدق براي لفظ با دقت کامل تا اينجا که گفتيم اين

مطلب را بنابرین درباره اصله عدم تذکيه که مي فرمايند در ايه قران هم عدم تذکيه موضوع قرار گرفته موضوع که براي حرمت اکل قرار گرفت ارتباط لفظ ميتة با غير مذکي

حرمت اکل در حيوان جدا از نجاست نيست شما مفهومي بحث کنيد امکان تفکيک وجود دارد تراب را حرمت دارد اما نجس نيست اما محدوده بحث مشخص است حيواناتي که حرمت اکل دارند نجاست هم دارند دو تا با هم منضم است از قطعيات و قابل تفکيک نيست ملازمه اين است که دو تا چيز است عدم تفکيک يعني چند حکم يک سنخ در باره يک موضوع اثار يک حقيقتند

سوال و جواب دليل ما تتبع و ضرورت فقه است ايا ميتة اي را شما مي توانيد پيدا کنيد که حرمت اکل داشته باشد و نجس نباشد اين مطلب که تمام شد مي فرمايد اصله عدم تذکيه واسطه نمي خواهد در جهت اثبات اثر حيواناتي که دم سائله دارند در معرض ماکول اللحم بودن و محرم الاکل بودن هستند به ضرورت فقه حرمت اکل جدا از نجاست نيست اين حرف ميرزاي نائني بود که از لوازمش استفاده کرديم و با اسان سازي گفتيم واما اصله عدم تذکيه را که اشکال کرديم که مثبت است ايشان مي فرمايد که بعد از اين شک ديگر مثبت نيست چون اصله عدم تذکيه نياز به اين ندارد که ميتة را ثابت کند اصله عدم تذکيه خودش موضوع اثار است حرمت و نجاست مترتب به خود عدم تذکيه است نه اينکه اصله عدم تذکيه ميتة را ثابت کند و حرمت و نجاست از اثار ميتة باشد بنابرین در صفحه 399 مي فرمايد که حق همان است که مشهور مي گویند که جلد مشکوک و مطروح محکوم به نجاست است بر اساس اصله عدم تذکيه

خلاصه بحث

مطلب که تا اينجا کامل کرديم رسيديم به اين نتيجه آنچه را فقيه بهبهاني فرمودند که درباره جلد مطروح مشکوک اصله عدم تذکيه جاري مي شود و روايت قاسم صيقل دال بر اين مطلب هست صحيح و درست است اشکال سيد الاستاد که مربوط مي شد به سند سند را شرحش را داديم اشکالي که مربوط مي شود به دلالت حصر اضافي است عرض مي شود که صحبت از حصر در کار نيست آنچه که ما مي بينيم حيوان وحشي به عنوان مورد در بيان حکم آمده است غير از اين چيزي در کل ساختار روايت صيقل ديده نمي شود و در اصول خوانده ايم که مورد مخصص نمي شود يک جا اشکال مي کنيم که اگر در مورد احتمال خصوصيت بدهيم در حد احتمال عقلايي احتمال عقلي که هميشه هست اگر احتمال عقلايي داديد مورد مخصص باشد هيچ احتمال عقلايي وجود ندارد وحشي مثال است و مورد سوال دلالت روايت هم کامل است بنابرین آنچه که به دست مي آيد و نتائجي که از اين بحث به دست مي آيد اين است 1. جلد مشکوک و مطروح محکوم به نجاست است دليل علي ذلک اصله عدم تذکيه 2. ميتة و غير مذکي دو چيز نيست يک لفظ و يک معناست موت و حياه چيزي است و ميتة و غير مذکي چيز ديگري است همان طوري که شيخ انصاري مي فرمايد و خود تنقيح العروه جلد 2 صفحه 449 مي فرمايد که اطلاق ميتة بر غير مذکي جاي اشکال ندارد محل اشکال نيست بلا اشکال اطلاق مي شود بنابرین اين مطلب را ما دنبال مي کرديم که برسيم به اين نتيجه که ميتة معنايش غير مذکي است که شکر خدا ميرزاي نائني صريحا فرمودند الميتة عبارة عن غير المذکي معنای ميتة غير مذکي است و اين حکم را که تا اينجا

گفتيم مضافا بر اين مطابق احتياط هم هست فتوا و نظر شيخ انصاري فاضل توني ميرزاي نائني و سيد الحكيم همه بر نجاست جلد مشکوک و مطروح است و قاعده طهارت که ديروز به شما قول دادم عموم قاعده طهارت اینجا جايي ندارد چون اصل موضوعي داريم در صورتي که اصل موضوعي داشته باشيم جايي براي قاعده طهارت ندارد بنابراین مسئله ششم المراد من الميته اعم مما مات حتف انفه او قتل و اين مسئله کامل شد مسئله هفتم ما يوخذ من يد الکافر مسئله پنجم هم یک قسمتش باقي ماند که ما يوخذ من يد المسلم که اين دو تا را ان شاء الله بر اساس قاعده عدم تذکيه بحث کنيم